

قانون مجازات عمومی

پس مجازات باید طوری وضع شود تا تواند بر روی هر يك از مرضای حقوقی جزائی معرف درجه تقصیر و مسئولیت آنها و بمنزله درمان مؤثری باشد

انتقاداتی که گفته شد از همان اوان پیدایش مورد توجه بیشتر علما واقع ولی از طرف دیگر با اصول مسلم و کلی دیگری که عبارت از مساوات در برابر قانون و عمومیت داشتن آن در اره کلیه افراد بدون تبعیض باشد اصطکاک مینمود با بنجهت دانشمندان حقوق جزائی با اصول تازه دیگری (متوسل شده اند که یاره از آنها را در موقع خود دیده ایم) و از جمله آنها رعایت کیفیات مخففه و مشدده است درباره مجرمین.

۱ - کیفیات مخففه

چنانچه در پیش گفته شد در بسیاری از جرائم و نزد عده زیادی از مجرمین اوضاع - احوال و کیفیاتی یافت می شود که احساسات قاضی را در ارفاق با آنها چه از نظر شخصی و چه از نظر کسان و نزدیکانشان جلب می کند

مثلاً مجرم پیر و زمینگیر است یا آنکه جوان و بکلی نادان و یا اگر عالم به واقب کرده خود بوده موجبات مسئولیت در او جمع ولی مشارالیه متکفل مخارج جمعی است که زندانی شدن او در مدت زیاد و کشیدن مجازات عادی موجب از بین رفتن عائله او و کسبختن وسائل معیشت و تربیت خانواده او و در نتیجه بست شدن محیط زندگی افراد آنهاست و یا آنکه شخص مجرم جاهل مطلق و بی اطلاع از اصول و قوانین کشوری که از طرفی جهت ارفاق قانون سبب برائتشان نمی شود و از طرف دیگر قصد تقاب و یا سوء نیت نداشته و ندیده استند که فلان عمل جرم است و با این حال مرتکب آن شده اند و یا آنکه مجرم مرتکب شخص با اخلاق منزهی است که اتفاقاً عملی از او سرزده و بکلی نادم و پشیمان است

خلاصه کیفیات نامبرده یا عواملی شبیه بآنها پیوسته

در نزد افراد مجرمین موجود است و قاضی را اخلاقاً ملزم بر عایت میکند. همچنین در وضع مجازات علاوه از آنکه قاضی اسیر احساسات درونی است افکار عمومی را هم باید در نظر داشته باشد چه بسا پیش میآید که همین افکار عمومی بکلی مانع و سد بزرگی در اجرای دقیق قانون میگردد، نظر بجهت فوق است که کیفیات مخففه در قوانین مجازات وارد شده و هر وقت در موضوع جرمی یکی از عوامل فوق پیش آمد نمود بموجب اصل مزبور میتوان آنرا در محکومیت جزائی شخص دخالت داده و بمجازاتی کمتر از میزان استحقاقی او از نظر نفس جرم محکومش نمود، طریقه اعمال تخفیف در کشور های مختلف و بسته بطرز فکر و روح اجتماعی و تربیت محیط مختلف است مثلاً در بعضی کشورها (۱) موارد تخفیف در قانون تصریح و بشا بر این قاضی اختیار مطلق در اعمال آن ندارد.

در برخی دیگر (۲) مثل انگلستان اساساً تخفیف در مجازات پیش بینی نشده ولی چون تعیین مجازات مطلقاً باختیار قاضی است و فقط برای کلیه جرائم بطور اعم مجازات وضع شده وی میتواند برای جرائم بسیار بزرگ هم مجازات های خیلی کم دستور دهد دیگر حاجتی بتوسل بکیفیات مخففه ندارد.

دسته سوم از کشورها (۳) اختیار در تخفیف را بسته به تشخیص شخص قاضی قرار داده اند بطوریکه در هر جرمی موجبات ارفاق در باره مجرم وجود داشت خود او بدون اینکه ملزم باشد علل و کیفیات موجب تخفیف را در حکم خود صریح و مشروح قید کند میتواند مجازات فاعل را

۱ - ایتالیا - اسپانی - پرتغال - اطریس سابق

(۲) کشور های انگلو ساکسن - هلند

(۳) بلژیک - فرانسه - هنگری لوکزامبورگ

ممکن است سوء اثر بخشیده یا مضر بحال جامعه باشد اختیارات قاضی خیلی زیاد نیست بلکه برخلاف آنجا که جرم شدید و مجرم خطرناک مورد توجه افراد و مقامات مسئوله کشور است و همچنین افکار عمومی ذی نفع در تنبیه شایسته مجرم می باشد.

در این موارد قاضی برعایت عوامل نامبرده بکنوع الزام اخلاقی داشته و خیلی به ندرت از آن تجاوز می کند.

گذشته از این محدود کردن موارد تخفیف دارای عیب دیگری است که بموجب آن قاضی ناچار میشود مجرمی که مجازاتش قانوناً بسیار شدید و در عین حال برابر وجود عوامل مخففه استحقاق آنرا ندارد بجای آنکه بمجازات خفیفی برساند چون دسترسی بآن نخواهد داشت تبرئه کند چه بین دو نظر متضاد: ارفاق و بیرحمی طبیعی است فکر بشر بسمت اولی بیشتر متمایل است. بالاخره نتیجه آن خواهد بود که چنین اشخاصی بمجازات استحقاقی هم نرسیده و از اینراه تبعیض بی جهتی بوجود آید حتی بعضی ها در وجود کیفیات مخففه و پائین آوردن میزان مجازات راه مبالغه بیموده و معتقد اند باید دست قاضی در اینباب کاملاً باز بوده و تا هر قدر بتواند مجازات را پائین آورد ولو بیکروز حبس و مقدار خیلی جزئی غرامت. فایده این رویه آنست که هیچگاه و در هیچ مرحله قاضی مجبور به تبرئه اشخاص برای فرار از مجازات نخواهد شد - چه درست است که میزان تخفیف خیلی زیاد میشود لکن همان قاضی که مورد اعتماد بوده جان و مال و ناهوس مردم سپرده اوست مانعی ندارد که بتواند بقدری اختیار داشته باشد که درجه مسئولیت اشخاص را در حقیقت و معنی از روی کرده آنها با موجبیات مؤثره در آن تشخیص و بملاوه جامعه هم مطمئن است که هر نوع مجرمی که فرضاً قابل نهایت ترحم باشد بدون مجازات نخواهد ماند.

در برابر این فکر و از آغاز جنک اخیر که عوامل مختلف و تازه در امور جزائی پیدا شدند اندیشه دیگری پدید آمد.

کمتر از میزان مقرر در قانون تعیین نماید.

فواید این رویه بسیار است چه اولاً تعیین قبلی موجبات تخفیف و حصر آنها در قانون از نظر کثرت موارد و اختلاف هر کدام با دیگری و همچنین از این جهت که باز هم در خشکی و غیر قابل ارتجاع بودن قانون تأثیر کافی نخواهد داشت معایب و انتقادات پیش را رفع نخواهد کرد ثانیاً باختیار قاضی گذاردن کیفیات مخففه موجب آن میشود که کرده هر شخص را بتوانیم از نظر فردی در نظر گرفته و در حقیقت مجازات را طوری درباره او اجرا کنیم که با میزان واقعی مسئولیتش تطبیق نموده شخصیت مجرم - علل و موجبات وقوع جرم عوامل محرکه و همچنین اهمیت وقوع جرم تمام در وضع مجازات رعایت شده علاوه اگر توجه کنیم که بشر روز بروز در حال تکامل بوده درجه فکر - سطح زندگی - ارتقاء اوسوی تمدن و بالتیجه عوامل مؤثره در روحیات و اعمال او در حال تغییر است دیگر نمی توانیم این عوامل را بیشکی و یکجا معین و محدود کنیم.

فقط یگانه ملامتی که بر مختار گذاردن قاضی در اعمال کیفیات مخففه وارد است همانا امکان افرات در آن و دادن تخفیف زیاد باشخصیکه لیاقت آنرا ندارند میباشد - البته نمیتوان گفت اشکال و عیب فوق بکلی وارد نیست. و قاضی از هر جهت مبری بوده هرگز دچار اشتباه یا سایر احساسات و عواطف نمیشود لیکن احتمال اینکه در اعمال و تخفیف افراد شود در مقابل مزایای بیشماری که از باز گذاشتن دست قاضی در اینباب موجود است قابل مقاومت نیست خاصه اگر توجه کنیم که قضاة پیوسته مرجع اعتماد و اطمینان مقامات عالی و هیئت اجتماعی بوده و جانیکه جان و مال و ناموس افراد ملت بآنها سپرده شود رعایت ارفاق و ترحم در باره بعضی از مجرمین آنهم در صورتیکه خیلی کم ممکن است در جا و محل خود نشده باشد چندان زیان آور نیست از طرف دیگر همانطور که گفته شد در جرائم مهمه که خطر اجتماعی زیاد داشته و تنها موازیدی هستند که ارفاق زیاد